

همچون ققنوس جاودان

مهنا شیخی*

در پی سه سال هجوم بی‌رحمانه غارتگران به جیرفت و به دنبال تاراج گسترده هزاران شی تاریخی و باستانی و فروش آنها در برخی حراجی‌های مهم اروپایی، کم‌کم توجه جهانیان به این منطقه جلب شد. به طوری که موزه لوور پاریس در سال ۲۰۰۳ یکی از اشیای تاریخی جیرفت را به قیمت ۱۵۰ میلیون تومان خریداری کرد.^۱

تپه‌ها در مدت کوتاهی هزاران چاله را بر پیکر خود دیدند تا سرانجام جامعه باستان‌شناسی به خود آمد و اقدامات علمی آغاز شد. البته طبق معمول، کشاورزان و غارتگران و دلالان عتیقه، بسیار زودتر و سریعتر از باستان‌شناسان به وجود این خطه باستانی و غنای آن پی برده و مناطق وسیعی از آن را مخفیانه حفاری کردند و اشیای بسیاری را به تاراج بردند. خیرهای غارت این منطقه، پیوسته به گوش می‌رسید تا اینکه در پی این همه خیرهای ناگوار، نتیجه حفاریهای باستان‌شناسان همه را شگفت‌زده کرد:

کشف اثر خطی ناشناخته (۱۹۱) بر روی مهری مربوط به ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م در محوطه باستانی کنار صندل جیرفت در پی حفاری‌های گروه مشترک باستان‌شناسی ایرانی و غیر ایرانی (۲۵) باستان‌شناس و متخصص داخلی و ۶ باستان‌شناس خارجی از دانشگاه‌های سوربن و پنسیلوانیا به سرپرستی دکتر یوسف مجیدزاده، و همچنین کشف یک زیگورات مربوط به ۲۳۰۰ ق.م که در ساخت آن بیش از ۴ میلیون خشت بکار رفته است، نشانه‌هایی از وجود یک تمدن عظیم را آشکار کرد. یوسف مجیدزاده در مورد کشف خط در جیرفت چنین گفت: «این برای نخستین بار است که در شرق ایران آثار خط کشف می‌شود و با توجه به اینکه این آثار خط همزمان با اختراع خط در بین‌النهرین و توسط سومریان است این می‌تواند نشان دهد که بین‌النهرین اولین خاستگاه تمدن بشری نبوده و در آن دوره آنها تنها قومی نبودند که خط داشتند، کشف خط علاوه بر نشان حضور یک تمدن پیشرفته، نشان می‌دهد که ساکنان جیرفت در ۵ هزار سال پیش دارای حکومت، دولت مقتدر و نظام سیاسی و اقتصادی بوده‌اند.»^۲

آثار فرهنگی تاریخی هر تمدن، به‌عنوان شناسنامه هویت یک ملت اهمیت بسیاری دارد. نشانه‌های بجایمانده از تمدن و نیاکان هر قوم سند شخصیت و اصالت افرادی است که اکنون در سرزمین به‌یادگار مانده از تلاش چندین نسل، روزگار می‌گذرانند. ایرانیان همتی والا و سترگ در تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها و بلاهای طبیعی و غیر طبیعی دارند؛ ملتی با گذشته‌ای غنی و تاریخی که آغاز آن با اساطیر درآمیخته است.

ما ایرانیان به فاجعه عادت داریم، با آن زاده می‌شویم و آن را در طول تاریخمان بارها تجربه کرده‌ایم، می‌پذیریمش و از تحملش به خود می‌بالیم، احساس غرور می‌کنیم و از کنارش براحتی می‌گذریم؛ از آغاز چنین بوده‌ایم، هنوز هم چنین هستیم. سالی که گذشت پر از حوادث و وقایع حیاتی برای جامعه باستان‌شناسی بود. حوادثی با پیامدهای متفاوت در این مرز و بوم اتفاق افتاد و بحث‌های متفاوتی را برانگیخت.

۱- تمدن جیرفت

یکی از مهمترین و با ارزش‌ترین خیرهای باستان‌شناسی را شاید بتوان کشف تمدن عظیم و شگفت‌انگیز جیرفت دانست که شگفتی بسیاری از مجامع باستان‌شناسی را برانگیخت و هیاهوی بسیاری را موجب شد.

هنگامی که در تابستان سال ۱۳۸۰ کشاورزان روستاهای اطراف هلیل‌رود شهرستان جیرفت در حال حفاری بودند و بیل‌های خود را نه در زمینهای کشاورزی که در گورستانهای کهن و خاموش روستاهای خود فرو می‌کردند، هرگز تصور نمی‌کردند که این اقدامشان منجر به کشف یک تمدن خاموش و فراموش شده شود.

هلیل‌رود، رودی که روزگاری پر آب و خروشان و زندگی‌بخش بود، امروز در اثر ایجاد سد جیرفت و تغییرات آب و هوایی ۵ هزار ساله، بی‌رمق و کم‌آب است. سرزمین سبز دیروز، امروز نه سبز، که خشک می‌نماید و کشاورزانش، این روزها نه در سرزمین‌ها و دشتهای پر بار که در گورستانهای کهن روستای باستانی خود به حفاری و بیل‌زنی مشغولند (۱)

میرزاخان به‌عنوان سه ناحیه پیش از تاریخ (در منطقه بزمان) قرار دارند.^۴

حفری‌های غیر مجاز که به‌دلیل ناشناخته بودن منطقه و صعوبت‌العبور بودن با خیالی آسوده و به‌سرعت انجام می‌شد در بهمن سال ۱۳۸۱ به‌اوج خود رسید. روستای «پکسان» که نزدیکترین روستا به گورستان اسپیدز است هر روزه شاهد افراد بومی و غیر بومی بود که راهی اسپیدز می‌شدند تا در حفری‌های غیر مجاز شرکت کنند.^۵

البته پس از تاراج این گورستان در سال ۸۱ به گفته حسن سرگزی مدیر وقت اداره میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان تمهیداتی برای حفاظت این منطقه صورت گرفته است.^۶ گمانه‌زنی و دو فصل کاوش در منطقه انجام شد، ولی مشکلات مالی هنوز مانع اصلی بررسی کامل این منطقه است. از دیگر مشکلات این منطقه نبود یک تشکیلات رسمی اداری است که سرگزی در توضیح آن می‌گوید: «به‌خاطر دوری راه این منطقه، تشکیلات به‌گونه‌ای است که ما در شهرستان‌ها اداره رسمی میراث فرهنگی نداریم و شاید بتوان به این امید بود که با ادغام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یک مدیریت کل تشکیل شده و از طریق این مدیریت کل مراقبت و محافظت بهتری صورت گیرد و سرمایه‌گذاری بهتری در اینجا صورت گیرد».^۷

خفتگان پنج هزار ساله این شهر، باز هم خفته باقی می‌مانند... آنان از زمان گذر کرده و دیگر منظر چیزی نیستند، آنان دغدغه‌ها و خاطرات خود را دارند، برای آنان که پنج هزار سال است خفته‌اند، در میان شیشه‌های موزه‌ها قرار گرفتن با در گور هزار ساله خود خفتن، فرقی ندارد! این برای ما مهم است که بدانیم گذشتگان ایران، نیاکانمان، در گذشته‌های دور چگونه می‌زیستند!

۳- مرگ ارگ

غم‌انگیزترین خیر باستان‌شناسی، شاید مرگ ارگ بم باشد؛ اتفاقی غم‌انگیز و دلخراش. مرگ ارگ اما به‌دست طبیعت خشمگین خطه کرمان، زمین لرزید و بزرگترین شهر خشتی جهان را فرو ریخت. و قلعه بم را که چنان سرفراز بر سینه آبی آسمان می‌درخشید در هم کوبید.

فاجعه بسیار عمیق بود و ما باستان‌شناسان دو ضایعه و اندوه را باید تحمل می‌کردیم، اندوه عمیق از دست دادن مردمان سرزمین کرمان را از یک سو، و ویرانی ارگ بم را از سوی دیگر.

ارگ بم برای مردمان خارج از ایران هم مهم بود، جهانگردان و باستان‌شناسان زیادی آن را از نزدیک دیده بودند و به آن اهمیت می‌دادند. بنابراین بازتاب این خبر بسیار گسترده بود، یونسکو UNESCO هم به‌میان آمد و برای

زیگورات عظیم جیرفت و محوطه‌های باستانی آن هنوز حرف‌های بسیاری برای باستان‌شناسان دارند.

و اکنون پس از سالها، جیرفت دوباره اهمیت پیدا کرده است، محور خبرها شده است و توجه بسیاری را به‌خود جلب کرده است. گویی تاراج و حراج آثار این خطه، این بار نتیجه خوبی به‌بار آورده است.

ولی سوال مهم همین است: اگر جیرفت به‌دست قاچاقچیان حفری نمی‌شد و اشیای کهنش به بازارهای جهانی راه نمی‌یافت، حفری‌های علمی صورت نمی‌گرفت و جیرفت باز هم خاموش می‌ماند؟! و اکنون پس از این همه خسارت وارد آمده بر پیکر جیرفت و هجومی چنین غم‌انگیز مطلع می‌شویم که: «بر اساس دستور رییس جمهور مبنی بر بازخواست از دستگاه‌های ذی‌ربط، پرونده حفری‌های غیر مجاز جیرفت گشوده می‌شود و این مسئله پس از جلسه‌های متعدد مسئولان و مقامات امنیتی و نظامی و میراث فرهنگی و... صورت گرفته است.»^۳ نوشدارو پس از مرگ سهراب... اما عاقبت جیرفت نجات پیدا کرد و بهشت باستان‌شناسان نامیده شد و در حال رمزگشایی است، پس نفسی به‌راحتی می‌کشیم!

۴- تکرار فاجعه: اسپیدز پس از جیرفت

صدای زوزه باد در کویر خاموش می‌پیچد، کویر پر از زمزمه مردگانی است که پنج هزار سال از هم‌خانه‌بودنشان با خاک می‌گذرد. آنان زمزمه‌وار از صدای تیشه‌های شبانه می‌گویند و خاموشی روزهای کویر. آن اسکلت‌های درون گورهای بیضی‌شکل، هنوز به‌یاد دارند که روزی در همین نزدیکی‌ها شهری نفس می‌کشید، که حال زیر خاک خفته است.

اگر بنا باشد نشانی تمدن‌های کهن و فراموش شده را از حفران غیر مجاز بگیریم، تا دوباره به‌خود بیاییم و تحقیقاتمان را آغاز کنیم، این بار باید در منطقه بلوچستان، پس از طی کردن مسیری ۷۰ کیلومتری از شهرستان ایرانشهر، در میان کویر و باد به‌دنبال دژ فراموش شده اسپیدز برویم، که روزهای مشابه جیرفت را تجربه کرده است.

اسپیدز آثار سه دوره پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی را در خود حفظ کرده است. علاوه بر قبرستان‌های تاریخی و باستانی این منطقه، بقایای یک قلعه و استحکامات مربوط به آن هم در این منطقه وجود دارد. این شهر فراموش شده را از آنجا همدوره شهر سوخته تخمین زده‌اند که در گورستان به تاراج رفته‌اش آثاری مشابه شهر سوخته کشف شده است، آثاری چون سفالهای قرمز و خاکستری منقوش که از نظر قدمت به ۳۰۰۰ ق.م می‌رسد. بدی آب و هوا و صعوبت‌العبور بودن این منطقه باعث شد که هیچ‌گاه مورد کاوش علمی قرار نگیرد، در حالی که این منطقه جای توجه و دقت بسیار دارد؛ زیرا در آن، گورستان اسپیدز، گورستان تشت و تپه کلاتوک

شهرهای تاریخی حذف خواهد شد^{۱۱} (!!!)، بازتاب وسیعی در جامعه داشت و فشار افکار عمومی و رسانه‌ها و همچنین پیگیریهای مصرانه سازمان میراث فرهنگی کشور و حتی وزارت کشور، بالاخره روند افزایش طبقات این برج در جهان انگشت‌نما را ظاهراً متوقف ساخت.

موقتاً نفس راحتی کشیدیم!! این برج می‌خواست اعتبار جهانی اصفهان با آن همه گنبد نیلی و آثار ارزشمند تاریخی و جهانی را فدای چند طبقه خود کند!!

۶- تلاش برای ثبت آثار در فهرست جهانی

با همه اینها باز هم بی‌کار ننشستیم و پیوسته در پی ثبت آثار باستانی سرزمینمان در فهرست آثار جهانی هستیم! جلیل گلشن، معاون پیشین میراث فرهنگی کشور می‌گوید: «اکنون شهر پارسه، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پاسارگاد، مسجد جامع اصفهان و گنبد سلطانیه دارای پرونده‌های کاملی بوده و ما اکنون منتظر طی شدن مراحل بعدی هستیم. مجموعه فیروز آباد فارس، مجموعه تاریخی شوش، نایبستان کرمانشاه، معبد آناهیتا^(۱)، مجموعه قصر شیرین، کتیبه بیستون، بافت و نظام آبیاری شوشتر، شهر سوخته، تپه سیلک، کوه خواجه سیستان و نقش رستم و نقش رجب از دیگر نامزدهای ثبت در آثار جهانی هستند، وی ادامه می‌دهد، از ۴ اثر ثبت شده در فهرست جهانی، ۲ اثر مربوط به پس از انقلاب و ۲ اثر مربوط به پیش از انقلاب می‌باشند»^{۱۲}

جلیل گلشن در پاسخ به این که ثبت آثار جهانی چه تمهیداتی را برای ما به‌همراه می‌آورد، می‌گوید: «قبل از این که ثبت یک اثر برای ما تعهدی به‌همراه بیاورد، امتیازات فراوانی را با خود می‌آورد! دریافت کمک احتمالی از یونسکو و همچنین حمایت از این مکان از ویژگیهایی است که با ثبت یک اثر در فهرست جهانی صورت می‌گیرد. نکته دیگر این که ثبت هر اثری در فهرست جهانی، به‌طور طبیعی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاثیرات بسزایی برای ما دارد. همچنین در این شرایط قادر خواهیم بود از نظرات کارشناسان یونسکو برای حفاظت و مرمت اثر ثبت شده استفاده کنیم. نکته دیگر این که چون یک اثر به‌عنوان یک میراث جهانی به‌ثبت می‌رسد، به‌عنوان یک دغدغه مطرح می‌شود و ممکن است در اثر سهل‌انگاری از فهرست جهانی حذف شود که ضربه شدیدی بر فرهنگ و تمدن کشور است»^{۱۳}

۷- و سرانجام اجلاس یونسکو

آری، سرانجام اجلاس یونسکو در تیرماه ۱۳۸۳ برگزار شد و چه اجلاس پر شمر و مفیدی برای ایران بود. ارگ بم ویران شده و مجموعه پاسارگاد به فهرست میراث جهانی یونسکو وارد شدند.

بازسازی آن ظاهراً برنامه‌ریزی‌های زیادی صورت گرفت، عکس ارگ در روزنامه‌ها چاپ شد، پوسته‌های روزگار سرافرازی‌اش بازارها را پر کرد. کمکهای زیادی از دورترین نقاط جهان برای مرمت این اثر متحصربه‌فرد به سویمان سرازیر شد و یونسکو و میراث فرهنگی پیشینی کردند که تا ۵ سال دیگر ارگ دوباره بر فراز شهر بایستد، نه با اصالت کهنش و خشتهای قدیمی که این بار با مصالح تازه....

سخن درباره ارگ هم بسیار بود، این که چرا فرو ریخته و چرا مرمت نشد؟! چرا برای حفاظتش هیچ اقدامی صورت نگرفت؟! و... این سخنها نیز خودبه‌خود و در طول زمان کمرنگ و کمرنگتر شد. یعنی ارگ را دوباره سربلند خواهیم دید؟

۴- آناهیتا می‌گریه؟!

کسانی هم بودند که با شنیدن این خبر در اواسط سال گذشته، متأسف شده و دست افسوس گزیدند! «کانال فاضلاب، واقع در ضلع جنوبی محوطه کنگاور به‌دلیل بارندگی در اواسط دی‌ماه سال گذشته از هم گسست و این محوطه تاریخی را فاضلاب خام فرا گرفت...»

گردشگران خارجی در حال بازدید از این معبد تاریخی در خطه کرمانشاه بودند که ناگهان فریاد یکی از آنها بلند شد و از آنجایی که فریاد میراث فرهنگی کرمانشاه در خصوص عبور فاضلاب شهری از محوطه‌های باستانی، مدت‌هاست که به‌جایی نرسیده، این فریاد گردشگران ژاپنی، عرق شرم را بر پیشانی مسئولان محوطه کنگاور نشانده...»^۸

۵- اصفهان از فهرست جهانی خداحافظی نکرد!!

در اصفهان چه می‌گذرد؟! برج جهان‌نما، بزرگ و عظیم با سرعتی شگفت و پشتوانه‌ای شگفت‌تر در کنار نقش جهان سر برآورد! و آنچنان مستحکم که زمزمه‌های حذف شهر اصفهان از فهرست جهانی شهرهای تاریخی نیز به‌سختی توانست حتی خمی به ابروی آن بیاورد.

این برج، تحت نظر عده‌ای از سهامداران خصوصی و با کاربردی فرهنگی^(۱) در مجاورت میدان نقش جهان اصفهان و بدون هماهنگی با میراث فرهنگی بنا شده است. گفته می‌شود هزینه ساخت این برج تا کنون ۳ میلیارد تومان بوده است.

حتی با وجود اصرار و تأکید میراث فرهنگی اصفهان و سازمان میراث فرهنگی کشور، افزایش طبقات برج همچنان ادامه داشت.^۹ کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی در اداره کل میراث فرهنگی اصفهان می‌گوید: «پنهان بودن مسایل مالی در پشت عملیات احداث این برج عظیم از مهمترین دلایل متوقف نشدن کار برج‌سازی است»^{۱۱}

اما سرانجام تهدید جدی و صریح سازمان یونسکو بر این که: در صورت ادامه روند برج‌سازی، اصفهان از فهرست

- نوشته حاضر در اواسط بهار ۱۳۸۳ به دست ما رسید. ولی به دلیل مشکلاتی چند، انتشار آن با تاخیر انجام شد. «باستان‌پژوهی»

منابع:

۱. روزنامه شرق، شماره ۱۱۲.
۲. روزنامه شرق، شماره ۹۸.
۳. روزنامه ایران، شماره ۲۷۳۲.
۴. روزنامه شرق، شماره ۱۴۶.
۵. روزنامه ایران، شماره ۲۸۱۲.
۶. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۸۷.
۷. روزنامه شرق، شماره ۱۵۳.
۸. روزنامه ایران، شماره ۲۶۲۱.
۹. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۰۱.
۱۰. روزنامه شرق، شماره ۱۱۹.
۱۱. روزنامه شرق، شماره ۱۹۲.
۱۲. روزنامه ایران، شماره ۲۲۳۱.
۱۳. روزنامه ایران، شماره ۲۱۲۴.
۱۴. روزنامه شرق، شماره ۱۵۷.

آری، پس از تخت‌جمشید، جغازنبیل، میدان نقش جهان اصفهان و تخت سلیمان، سرانجام این دو اثر نیز میراث جهانی شد. و صدافسوس که به‌هنگام سربلندی و پویایی، به فکر ارگ نبودیم و حال که تنها از آن جنازه‌ای مانده است، به فکر ثبت جهانی‌اش افتادیم. به‌هرحال، همچنان خبرهای خوب وجود دارد؛ تشکیل بیگان ویژه حفاظت از میراث فرهنگی با بیش از ۵۰۰ نفر که قدمی مثبت در حفظ میراث فرهنگی کشور است.^{۱۴}

دستگیری دزدان عتیقه و قاچاقچیان اموال فرهنگی کشور، نیز از دیگر خبرهای خوشحال‌کننده است. همچنین از انجام چندین کاوش در نقاط مختلف ایران می‌توان نام برد، از جمله سیلک، شهر سوخته، جیرفت، تخت سلیمان، نیشابور و ... و ایران ما هنوز پا برجاست، در طوفان حوادث به خاکستر بدل می‌شود و چون ققنوس جوادان دوباره از دل خاک سر بر می‌آورد ... و ققنوس را مرگ نیست ...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی